



ایران

گزارش «ایران» از مرز بین بیماری و سلامت روان کودکان در گفت‌وگو با روانشناسان

برچسب‌زنی به کودکان ممنوع!

مهسا قوی‌قلب | خبرنگار

«این بچه مشکل داره، انگار بیش‌فعال، اصلاً رفتارش طبیعی نیست، بیش‌از‌حد شیطونه، تا دیر نشده حتماً به یه روانشناس نشونش بده»، «بچه‌ام چند وقته به‌نظم علائم بیماری اوتیسم داره، دانشماً به کاری رو تکرار می‌کنه، احتمالش زیاده که مبتلا به این بیماری باشه»، این جملات و نمونه‌هایی از این دست را این روزها بیشتر از دهه‌های قبل، از والدین و اطرافیان آنها می‌شنویم. بسیاریند، پدرها و مادرهایی که با آگاهی از چند علامت بیماری‌هایی همچون بیش‌فعالی، عدم تمرکز یا اختلال اوتیسم، آن را به فرزند خود نسبت داده و شبانه‌روز نگران هستند که فرزند آنها مبتلا به بیماری‌های این چنینی باشد. فارغ از اینکه کودک، مبتلا به بیماری باشد، در خیلی از موارد تمامی این ترس‌ها و تصورات اشتباه است. اشکال کار در این است که والدین یا اطرافیان کودک هیچ شناخت دقیقی در زمینه مرز میان سلامت و بیماری کودک ندارند و این امر سبب می‌شود، اضطراب و تشویش ایشان دوچندان شود، در حالی که رفتار فرزند آنها کاملاً طبیعی بوده و این والدین هستند که با دلایل اضطرابی و برچسب‌زنی بی‌مورد، فشار و استرس مضاعفی را به خود، اعضای خانواده و حتی فرزندشان وارد می‌آورند.

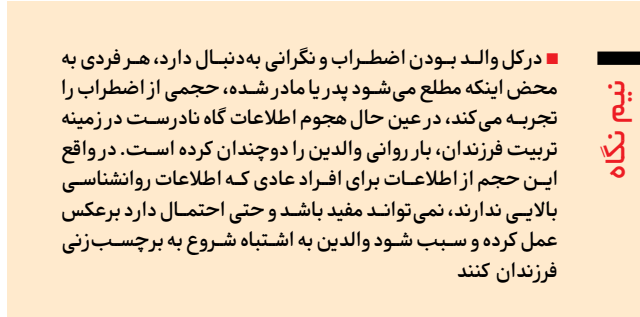
مهسا شریف راز، روانشناس با بیان اینکه در حال حاضر تک‌فرزندی در کشور رایج شده است، به «ایران» می‌گوید: افزایش خانواده‌های تک‌

نسل‌های پیشین با اینکه اکثراً خانه‌دار هم بودند ولی به‌دلیل تعداد زیاد فرزندان نمی‌توانستند زمان زیادی را با آنها سپری کنند، در حال حاضر این تغییر بسیار بارز است، این در حالی است که با گسترش فضای مجازی و مراجعه به کتاب‌های فرزندپروری شاهد تبعاتی منفی هم هستیم. با اینکه مطالعه و حضور در فضای مجازی در کند اما در عین حال افراد غیرمتخصص با در اختیار گذاشتن اطلاعات ناکارآمد و زیاد ضربه‌های روانی عمیقی را به والدین و فرزندان وارد می‌آورند. او در ادامه اضافه می‌کند: روی صحبت با پدرها و مادرهای معمولی بافرزاده در میان است، درکل والد بودن اضطراب و نگرانی به‌دنبال داره، هر فردی به محض اینکه مطلع می‌شود پدر یا مادر شده، حجمی از اضطراب

قبیل دامن زدن، تشخیص بیش‌فعالی، عدم تمرکز و بیماری‌هایی دیگر از این دست توسط افراد غیرمتخصص، والدین را بیهوده نگران می‌کند. حدود نیمی از بیماری‌هایی که به کودک نسبت داده می‌شود، ناشی از اضطراب والدین است. برخی از روانشناسان بر این باورند که احتمالاً والدینی که در اتاق انتظار نشسته‌اند، بیمار اصلی هستند نه کودکی که در مقابل آنها حضور داره.

این روانشناس با اشاره به اینکه دو سال پر از اضطراب و تنش ناشی از کرونا را گذرانده ایم، توضیح می‌دهد: حدود دو سال کودکان در کنار خانواده بودند، حالا پس از این مدت زمان طولانی خیلی از کودکان زیر ۵ سال مجبور شدند به مهدکودک سپرده شوند، این

می‌تواند ثابت کند که این کودکان بیمار نیستند و آن سؤال این است که «مگر غیر از این است که کودکان از والدین می‌آموزند؟» وقتی پدر و مادر هر دو بشدت و غیرقابل کنترل همواره سر در گوشی دارند، کودک آنها هم ناخودآگاه از ایشان تعلیم می‌بیند، باید بپذیریم که بچه‌ها از بزرگترها می‌آموزند. مسأله امروز، مسأله والدی‌گری و تربیت کودکان است، متأسفانه مهدهای کودک دبستان‌ها نیز در امر تربیت کودکان چندان مفید عمل نمی‌کنند و بیشتر جنبه علم‌آموزی مد نظر قرار دارد تا تربیت کودکان، در کنار حساسیت‌های بی‌مورد والدین و انگ‌زنی به کودکان در حوزه تربیت کودکان در مهدهای کودک و دبستان‌ها نیز نیازمند بازنگری جدی



درکل والد بودن اضطراب و نگرانی به‌دنبال داره، هر فردی به

محض اینکه مطلع می‌شود پدر یا مادر شده، حجمی از اضطراب را تجربه می‌کند، در عین حال هجوم اطلاعات گاه نادرست در زمینه تربیت فرزندان، بار روانی والدین را دوچندان کرده است. در واقع این حجم از اطلاعات برای افراد عادی که اطلاعات روانشناسی بالایی ندارند، نمی‌تواند مفید باشد و حتی احتمال دارد برعکس عمل کرده و سبب شود والدین به اشتباه شروع به برچسب‌زنی فرزندان کنند

امر ناخودآگاه برای آنها حجمی از

اضطراب را به‌دنبال داره، ممکن است خیلی از بچه‌ها به عروسکی بشدت وابسته شوند و آن را از خود جدا نکنند، آن عروسک یا اسباب‌بازی حکم یک تکه از خانه امن را داره، این عادت به هیچ عنوان ارتباطی با بیماری اوتیسم ندارد. اضطراب جدایی از محیط خانه، سبب وابستگی به وسایل خاصی از خانه عمل کرده و سبب شود والدین به اشتباه شروع به برچسب‌زنی فرزندان کنند. امروز مسأله جامعه‌ما این است که جامعه‌ای تحصیلکرده داریم اما فرق بین مقاله علمی از غیرعلمی تشخیص داده نمی‌شود. لینک‌ها و کانال‌های غیرتخصصی این روزها بشدت افزایش پیدا کرده‌اند و افراد عادی نباید به اعتبار و صحت و سقم داده‌ها در فضای مجازی اعتماد کنند.

به اعتقاد شریف راز، حضور برخی روانشناسان غیرمتخصص در مهدهای کودک هم می‌تواند به مشکلاتی از این

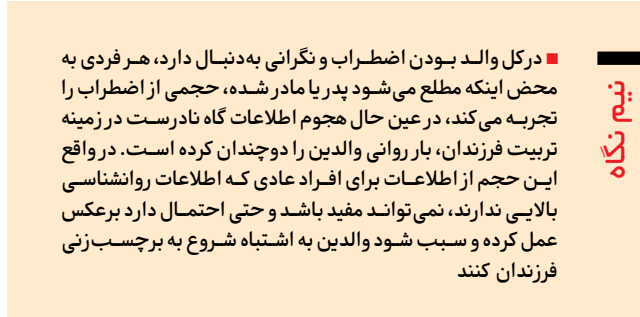
نسل‌های پیشین با اینکه اکثراً خانه‌دار هم بودند ولی به‌دلیل تعداد زیاد فرزندان نمی‌توانستند زمان زیادی را با آنها سپری کنند، در حال حاضر این تغییر بسیار بارز است، این در حالی است که با گسترش فضای مجازی و مراجعه به کتاب‌های فرزندپروری شاهد تبعاتی منفی هم هستیم. با اینکه مطالعه و حضور در فضای مجازی در کند اما در عین حال افراد غیرمتخصص با در اختیار گذاشتن اطلاعات ناکارآمد و زیاد ضربه‌های روانی عمیقی را به والدین و فرزندان وارد می‌آورند.

او در ادامه اضافه می‌کند: روی صحبت با پدرها و مادرهای معمولی بافرزاده در میان است، درکل والد بودن اضطراب و نگرانی به‌دنبال داره، هر فردی به محض اینکه مطلع می‌شود پدر یا مادر شده، حجمی از اضطراب نسبت‌های پیشین با اینکه اکثراً خانه‌دار هم بودند ولی به‌دلیل تعداد زیاد فرزندان نمی‌توانستند زمان زیادی را با آنها سپری کنند، در حال حاضر این تغییر بسیار بارز است، این در حالی است که با گسترش فضای مجازی و مراجعه به کتاب‌های فرزندپروری شاهد تبعاتی منفی هم هستیم. با اینکه مطالعه و حضور در فضای مجازی در کند اما در عین حال افراد غیرمتخصص با در اختیار گذاشتن اطلاعات ناکارآمد و زیاد ضربه‌های روانی عمیقی را به والدین و فرزندان وارد می‌آورند. او در ادامه اضافه می‌کند: روی صحبت با پدرها و مادرهای معمولی بافرزاده در میان است، درکل والد بودن اضطراب و نگرانی به‌دنبال داره، هر فردی به محض اینکه مطلع می‌شود پدر یا مادر شده، حجمی از اضطراب نسبت‌های پیشین با اینکه اکثراً خانه‌دار هم بودند ولی به‌دلیل تعداد زیاد فرزندان نمی‌توانستند زمان زیادی را با آنها سپری کنند، در حال حاضر این تغییر بسیار بارز است، این در حالی است که با گسترش فضای مجازی و مراجعه به کتاب‌های فرزندپروری شاهد تبعاتی منفی هم هستیم. با اینکه مطالعه و حضور در فضای مجازی در کند اما در عین حال افراد غیرمتخصص با در اختیار گذاشتن اطلاعات ناکارآمد و زیاد ضربه‌های روانی عمیقی را به والدین و فرزندان وارد می‌آورند.

او در ادامه اضافه می‌کند: روی صحبت با پدرها و مادرهای معمولی بافرزاده در میان است، درکل والد بودن اضطراب و نگرانی به‌دنبال داره، هر فردی به محض اینکه مطلع می‌شود پدر یا مادر شده، حجمی از اضطراب نسبت‌های پیشین با اینکه اکثراً خانه‌دار هم بودند ولی به‌دلیل تعداد زیاد فرزندان نمی‌توانستند زمان زیادی را با آنها سپری کنند، در حال حاضر این تغییر بسیار بارز است، این در حالی است که با گسترش فضای مجازی و مراجعه به کتاب‌های فرزندپروری شاهد تبعاتی منفی هم هستیم. با اینکه مطالعه و حضور در فضای مجازی در کند اما در عین حال افراد غیرمتخصص با در اختیار گذاشتن اطلاعات ناکارآمد و زیاد ضربه‌های روانی عمیقی را به والدین و فرزندان وارد می‌آورند.

او در ادامه اضافه می‌کند: روی صحبت با پدرها و مادرهای معمولی بافرزاده در میان است، درکل والد بودن اضطراب و نگرانی به‌دنبال داره، هر فردی به محض اینکه مطلع می‌شود پدر یا مادر شده، حجمی از اضطراب نسبت‌های پیشین با اینکه اکثراً خانه‌دار هم بودند ولی به‌دلیل تعداد زیاد فرزندان نمی‌توانستند زمان زیادی را با آنها سپری کنند، در حال حاضر این تغییر بسیار بارز است، این در حالی است که با گسترش فضای مجازی و مراجعه به کتاب‌های فرزندپروری شاهد تبعاتی منفی هم هستیم. با اینکه مطالعه و حضور در فضای مجازی در کند اما در عین حال افراد غیرمتخصص با در اختیار گذاشتن اطلاعات ناکارآمد و زیاد ضربه‌های روانی عمیقی را به والدین و فرزندان وارد می‌آورند.

می‌تواند ثابت کند که این کودکان بیمار نیستند و آن سؤال این است که «مگر غیر از این است که کودکان از والدین می‌آموزند؟» وقتی پدر و مادر هر دو بشدت و غیرقابل کنترل همواره سر در گوشی دارند، کودک آنها هم ناخودآگاه از ایشان تعلیم می‌بیند، باید بپذیریم که بچه‌ها از بزرگترها می‌آموزند. مسأله امروز، مسأله والدی‌گری و تربیت کودکان است، متأسفانه مهدهای کودک دبستان‌ها نیز در امر تربیت کودکان چندان مفید عمل نمی‌کنند و بیشتر جنبه علم‌آموزی مد نظر قرار دارد تا تربیت کودکان، در کنار حساسیت‌های بی‌مورد والدین و انگ‌زنی به کودکان در حوزه تربیت کودکان در مهدهای کودک و دبستان‌ها نیز نیازمند بازنگری جدی



می‌تواند ثابت کند که این کودکان بیمار نیستند و آن سؤال این است که «مگر غیر از این است که کودکان از والدین می‌آموزند؟» وقتی پدر و مادر هر دو بشدت و غیرقابل کنترل همواره سر در گوشی دارند، کودک آنها هم ناخودآگاه از ایشان تعلیم می‌بیند، باید بپذیریم که بچه‌ها از بزرگترها می‌آموزند. مسأله امروز، مسأله والدی‌گری و تربیت کودکان است، متأسفانه مهدهای کودک دبستان‌ها نیز در امر تربیت کودکان چندان مفید عمل نمی‌کنند و بیشتر جنبه علم‌آموزی مد نظر قرار دارد تا تربیت کودکان، در کنار حساسیت‌های بی‌مورد والدین و انگ‌زنی به کودکان در حوزه تربیت کودکان در مهدهای کودک و دبستان‌ها نیز نیازمند بازنگری جدی

می‌تواند ثابت کند که این کودکان بیمار نیستند و آن سؤال این است که «مگر غیر از این است که کودکان از والدین می‌آموزند؟» وقتی پدر و مادر هر دو بشدت و غیرقابل کنترل همواره سر در گوشی دارند، کودک آنها هم ناخودآگاه از ایشان تعلیم می‌بیند، باید بپذیریم که بچه‌ها از بزرگترها می‌آموزند. مسأله امروز، مسأله والدی‌گری و تربیت کودکان است، متأسفانه مهدهای کودک دبستان‌ها نیز در امر تربیت کودکان چندان مفید عمل نمی‌کنند و بیشتر جنبه علم‌آموزی مد نظر قرار دارد تا تربیت کودکان، در کنار حساسیت‌های بی‌مورد والدین و انگ‌زنی به کودکان در حوزه تربیت کودکان در مهدهای کودک و دبستان‌ها نیز نیازمند بازنگری جدی

معاون وزیر آموزش و پرورش در گفت‌وگو با «ایران» تأکید کرد کمبود ۳۰ هزار مشاور در مدارس

گرفته شده مشاور داشته باشیم؛ حدود ۱۳ هزار مشاور در مدارس داریم. از آنجایی که در مدارس ابتدایی بحث امورات آموزشی، تربیتی و مشاوره‌ای به عهده آموزگار مدرسه است، از این‌رو ما مدارس ابتدایی را از این آمار خارج می‌کنیم و حدود ۱۵ تا ۲۰ هزار نفر مشاور می‌تواند مدارس متوسطه اول و دوم را پوشش می‌دهد.

گرفته شده مشاور داشته باشیم؛ حدود ۱۳ هزار مشاور در مدارس داریم. از آنجایی که در مدارس ابتدایی بحث امورات آموزشی، تربیتی و مشاوره‌ای به عهده آموزگار مدرسه است، از این‌رو ما مدارس ابتدایی را از این آمار خارج می‌کنیم و حدود ۱۵ تا ۲۰ هزار نفر مشاور می‌تواند مدارس متوسطه اول و دوم را پوشش می‌دهد. **■ تأمین نیروی مشاوره هم به عهده دانشگاه فرهنگیان است**

باقرزاده در پاسخ به این سؤال که چطور می‌توان این آمار ۲۰ هزار مشاور را تأمین کرد، گفت: هر سال بخشی از مجوزی که به آموزش و پرورش برای جذب نیرو تعلق می‌گیرد به نیروی مشاوره اختصاص دارد. این مجوز حدود هزار تا دو هزار نفر را به مشاورین اختصاص می‌دهند که تأمین نیروی مشاوره هم به عهده دانشگاه فرهنگیان است. تقریباً دو سال می‌شود که رشته مشاوره تأسیس شده و دانشجویان فرهنگی تا قبل از آن در رشته‌های مختلف روانشناسی و امور تربیتی از جاهای دیگر جذب می‌شدند. طی دو سال اخیر به‌دلیل اینکه رشته مشاوره تأسیس شده، دانشجویان درس‌های مرتبط با رشته خودشان را می‌خوانند و سپس وارد مدرسه می‌شوند.

وی در واکنش به این پرسش که بنابراین خارج از دانشگاه فرهنگیان برای مشاوران جذب نخواهید داشت؟ گفت: می‌توانیم جذب داشته باشیم اما ترجیح ما این است که جذب از دانشگاه فرهنگیان باشد اما اگر افراد متخصصی باشند که به‌عنوان مثال از طریق آزمون ورودی اقدام کرده باشند یا حتی میان معلمان آموزش دیده باشند می‌توانیم با یکسری فرایندهای آموزشی جذب کنیم. به‌طور کلی مهم این است که ظرفیتی که اختصاص می‌دهند با همان میزان فارغ‌التحصیل دانشگاه فرهنگیان برابری می‌کند.

معاون پرورشی و فرهنگی آموزش و پرورش در واکنش به این پرسش که آیا معلمان ابتدایی آموزش خاصی برای امور تربیتی و مشاوره‌ای می‌بینند و برای جذب دانش‌آموزان به مدرسه بعد از گذشت دو سال کرونا آیا آموزگاران ابتدایی آموزش مخصوصی را دیده‌اند؟ گفت: ما یک هسته‌های مشاوره‌ای و مربیان منتخبی داریم که با مدارس ابتدایی در ارتباط هستند و مواردی را به‌صورت ایجابی به آموزگاران آموزش می‌دهند. این موارد حتی به‌صورت موضوعی هم هستند؛ یعنی اگر آموزگاری نسبت به موضوع خاصی دچار مشکل شده باشند و به کمک مشاوره نیاز داشته باشند هسته مشاوران به کمک آنها می‌آیند. به تازگی تلاش شده همه معلمان بویژه آموزگاران ابتدایی نسبت به وظایف عمومی و کلی‌شان یک بازنگری در کار خود داشته باشند و اگر لازم باشد نسبت به گذراندن دوره‌های تکمیلی اقدام شود تا این فضا تورق شده و بتوانند دانش‌آموزان را بهتر راهنمایی کرده و مشکلات را برطرف کنند. معاونت پرورشی هم تلاش می‌کند توسط هسته‌های مشاوره به مدارس کمک کند. **■ تنها ۱۰ درصد مدارس متوسطه دوم مشاور دارند**

باقرزاده در پاسخ به این سؤال که اغلب مدارس متوسطه اول هستند که مشاور دارند که آن هم برای هدایت تحصیلی و آموزشی به دانش‌آموزان کمک می‌کنند. همچنین در مقاطع متوسطه دوم که دوره حساسی است مشاوره اجباری نیست. چرا؟ گفت: در متوسطه دوم حدود ۱۰ درصد مدارس دارای مشاور هستند. ما مربیان منتخبی داریم که ظرفیت تشکیل هیئاران مشاور را به وجود آورده‌اند. ما همچنین فوریت‌های روان اجتماعی ۱۵۷۰ تا زمانی که شخصیت مربی را نپذیرد در این مقطع وجود دارد یک مفری ایجاد کرده باشیم.

رئیس سازمان دانش‌آموزی کشور گفت: مقدرات ما همین است اما آنچه داشتیم را بیشتر به مقطع متوسطه اول اختصاص دادیم چون فقط هم بحث هدایت تحصیلی نیست بلکه شکل‌گیری شخصیت‌ها، مسائل روانی و اجتماعی در اوایل دوره متوسطه اول اتفاق می‌افتد. در این مقطع دانش‌آموزان می‌توانند با مشاورین صحبت کنند و در کنار آن مشاور تحصیلی‌ام انجام دهند. اما اگر فرصت برای دانش‌آموزان متوسطه دوم از دست نرود، راه‌اندازی ۱۵۷۰ در طول شبانه‌روز در عمده استان‌ها در اختیار معلمان و اولیا دانش‌آموزان بوده و برای جبران کمبودها است. البته ما هم این کمبودها را قبول داریم اما راه‌اندازی ۱۵۷۰ تلاش شده که به‌گروه متوسطه دوم هم توجه شود.

معاون پرورشی و فرهنگی وزارت آموزش و پرورش در پاسخ به این سؤال که آیا این نقد را قبول دارید که مشاوران مدارس بیشتر در موارد تحصیلی مشاوره می‌دهند تا مباحث روانشناختی و آسیب‌ها و همچنین در حال حاضر باتوجه به دوری دوساله دانش‌آموزان از مدارس این نیاز بیشتر احساس می‌شود زیرا برخی از دانش‌آموزان دچار انزوا و تنهایی شده‌اند و اکنون نباید نقش مشاوران باید از پیش پررنگ‌تر باشد؟ گفت: در خصوص این مشکلی که شما می‌گویید و هر نوع فعالیت تربیتی که بخواهد یک اثر ماندگار داشته باشد باید قبول کنیم که احتیاج به یک مواجهه حضوری مستمر دارد. در واقع یک مربی باید چند ساعت در روز با مربی خود در ارتباط باشد حالا نه به‌طور دائم بلکه به‌طور متناوب باشد هم خوب است. از طرفی باید شخصیت مربی از طرف تئری پذیرفته شود، زیرا تا زمانی که شخصیت مربی را نپذیرد اصلاً از او تأثیر بیشتری در مربیان جدید تلاش برای توانمندسازی مربیان است تا مربی بتواند تعداد بیشتری از



اعتماد ایجاد شده و برای ایجاد اعتماد باید تعامل و همراهی وجود داشته باشد. متأسفانه مشاورین ما این امکان را ندارند و برخی از آنها در روز یک‌تا دو ساعت در مدرسه حاضر می‌شوند و مجبورند برای مدرسه بعدی که در ردیف آنها قرار داده شده حاضر شوند.

وی با بیان راهکار جهت حل این مشکل اظهار داشت: یک راه‌اضافه کردن تعداد مشاوران است. درخواست ما از مجموعه دولت و نهادهای بالا دستی این است که این مسأله را جدی بگیرند و مجوز تأمین بیشتر مشاوران را در دستور کار قرار دهند. اما مرحله دومی که ما دنبال آن هستیم و تلاش می‌کنیم این اتفاق بیفتد احیای نقش تربیتی مربیان تربیتی، معاونان پرورشی و معلمان است. اگر دانش‌آموزان که در مواجهه مستقیم با معلمان و مربیان پرورشی هستند بتوانند بخشی از نیازهای مشاوره‌ای خودشان را با همین افراد تأمین کنند آن اتفاق که شما به آن اشاره کردید، می‌افتد و به‌ساخت شخصیت آنها کمک می‌کند.

وی تأکید کرد: بنابراین محور فعالیت‌های معاونت پرورشی در دوره جدید تلاش برای توانمندسازی مربیان است تا مربی بتواند تعداد بیشتری از

در رانل ثابت کند که این کودکان بیمار

بنابر اظهار والدین، مجموعه رفتارهای ناسازگارانه‌ای که در سنین پیش‌دبستان گزارش شده است، شامل مواردی می‌شود که در آن، کودکان دانشماً می‌روند، زمین می‌خورند و گویا به نظر می‌رسد، تاب و تحمل نشستن در یک مکان را ندارند، به‌عنوان نمونه چنانچه در مکانی مانند رستوران مجبور باشند، مدتی بنشینند، احساس ناراحتی کرده و همواره بی‌قراری در آنها کاملاً مشهود است.

به گفته این روانشناس، والدین این کودکان در بیشتر مواقع از اینکه هیچ‌گاه نمی‌توانند توجه کودک را به خود جلب کنند، ابراز ناراحتی می‌کنند. به‌طور کلی رفتارهایی که تا قبل از سنین پیش‌دبستانی دیده می‌شود، باید مورد دقت قرار بگیرد ولی در عین حال هم جنبه انگ به کودک نداشته باشد در مقابل هم می‌تواند پیش‌بینی‌کننده یک اختلال باشد و در صورت مشاهده همه علائم با مراجعه بموقع به متخصص بتوان درمان‌های مورد نیاز را اجرا کرد. در مجموع می‌توان این علائم را به‌طور خلاصه اینگونه بیان کرد که کودکان دارای برخی اختلالات، علائم مشترکی دارند، از جمله جنب

و جوش زیاد، ناسازگاری زیاد با والدین و دوستان، این قبیل کودکان اغلب قوانین بازی را رعایت نمی‌کنند و اصلاً یک بازی را نمی‌توانند به‌آخر برسانند، متناسب با سنشان نمی‌توانند در یک زمان مشخص در یک مکان مشخص بنشینند، توانایی سرگرم کردن خود را ندارند، به همین دلیل یا پدر و مادر باید آنها را سرگرم کند یا گوشی و تبلت یا اینکه دانشماً در حال غر زدن، دعا می‌شود. رفتار و عملکرد کودک نشان‌دهنده سطح رشدی و شناختی متناسب سن او است اما در بعضی کودکان رفتارهایی دیده می‌شود که به‌صورت طبیعی و بهنجار نیست و عملکرد کودک را دچار اختلال می‌کند.

یکی از این موارد، اختلال نقص توجه و بیش‌فعالی است که تشخیص دقیق آن در زمان دبستان و پیش‌دبستانی است و اگر از رفتار و عملکرد کودک در دوران پیش‌دبستان، شناسایی نشود، احتمال بهبود علائم و رفتارهای مربوطه در دوران مدرسه بیشتر است. این اختلال علائمی نشان می‌دهد که آشکارا بیانگر بی‌توجهی، حواس پرتی و بی‌نظمی هستند و علائم معمولی یک کودک با معلولیت ذهنی (تأخیر

جاء

باشد. ما در جلسات مقدماتی که ترتیب دادیم، قرار شد یک آیین‌نامه اجرایی برای نظام جامع راهنمایی و مشاوره در آموزش و پرورش بنویسیم؛ بزودی نهادهایی که با این نظام جامع از نظر شغلی، حرفه‌ای، توانمندی‌های شخصی و از نظر تربیتی و اجتماعی روی کودکان و نوجوانان تأثیرگذار هستند باید با ما همراه شوند. اما در حال حاضر بجز این جلسه، غربالگری مدارس، شناسایی و تشخیص افراد و حدود دانش‌آموزان آنها نسبت به آسیب‌های اجتماعی که آیا در معرض آسیب‌ها هستند یا جزو بچه‌های پرخطر هستند؛ در پنج هزار تا پنج هزار پانصد مدرسه صورت گرفته که حدود یک میلیون نفر دانش‌آموز بوده است اما هدف گذاری‌مان امسال ۲۰ هزار مدرسه است که ان شالله آنها را به سرانجام می‌رسانیم.

وی بیان کرد: هدف‌گذاری در جهت غربالگری مدارس برای ۲۰ هزار مدرسه است. بعد از اینکه دانش‌آموزان شناسایی شوند، آن گروه از دانش‌آموزان که از آسیب‌ها دورند با جلسات توانمندسازی پوشش داده می‌شوند اما آنهایی که نزدیک و دچار آسیب شدند باید با کمک نهادهای بهزیستی، اجتماعی و حتی والدین حمایت شوند.

معاون وزیر آموزش و پرورش در پاسخ به این سؤال که دانش‌آموزان پرخطر چه ویژگی‌هایی دارند؟ گفت: دانش‌آموز پرخطر کسی است که حداقل یک بار یک رفتار پرخطر را تجربه کرده، مثلاً او اقدام به خودکشی منجر به‌عدم فوت داشته، یا از منزل و مدرسه فرار کرده یا یک بدسرپرستی را تجربه کرده است. اینها اصطلاحات بسیار ناراحت‌کننده‌ای است اما به‌هر حال وجود دارد. درصد کمی از دانش‌آموزان به جهت مسائل اجتماعی، اقتصادی و خانوادگی مانند بی‌سرناهی، تجاوز اخلاقی و... در خطر قلمداد می‌شوند.